

شماره: ۷

جزوه نگرش ساز

هسته‌ی توانمندسازی
حرکت‌های جهادی

وقف سازگارانه

وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ
تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا

...و (بدانید) آنچه از کارهای نیک برای خود از پیش می‌فرستید
آن را نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت

(سوره مزمل / آیه ۲۰)

مقدمه

میل به جاودانگی و نیکوکاری در سرشت بشر، به صورت خدادادی نهفته است و آدمی همواره برای جاودانه زیستن و نام نیکو از خود گذاشتن، می کوشد. یکی از اموری که تا حدودی پاسخ گوی این خواسته درونی انسان است، یادگاری ماندگار و صدقه ای جاوید به نام وقف است. وقف به عملی گفته می شود که در آن، انسانی خیرخواه بخشی از اموال خود را در راه رضای خداوند متعال برای استفاده فرد یا افراد حقیقی یا حقوقی از ملکیت خود در می آورد و به تملک خداوند در می آورد. آدمی با وقف بخشی از اموال خود، ضمن کسب رضای الهی و پیروی از سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت نام نیکوی خود را جاودانه می سازد و امروز شاهدیم کسانی که صدها سال است در خاک آرمیده اند، از ثمرات وجود موقوفات آنها، بخش عظیمی از جامعه بهره مند هستند؛ به قسمی که گویی هنوز زنده اند و خوان انفاق آنان تا ابد گسترده است.

در این جزوه با بیان ضرورت و چیستی وقف و همچنین کارکردها و موارد مصرف این صدقه جاریه به بیان نمونه هایی در روایات و سنت اهل بیت (ع) و در نهایت روش های ترویج وقف پرداخته شده است.

اهداف وقف

وقف ارتباط تنگاتنگی با مصالح عمومی دارد، به ویژه در جوامعی که اختلاف طبقاتی در آن زیاد باشد. از راه وقف کردن، ثروتمند به فقیر می‌اندیشد و توانا به سراغ ناتوان می‌رود و خیلی از نیازمندی‌های عمومی می‌تواند برطرف گردد. اهداف عمومی وقف بدین قرار است: دستگیری مستمندان، کمک به محرومان، سامان دادن زندگی فرودستان، تعدیل اقتصادی، هم سطح کردن زندگی مردمان، نشر علم و دانش، تعلیم و تربیت رایگان، گسترش فرهنگ و آموزش به ویژه آموزش معارف اسلامی و مبنای دینی، معالجه و درمان بیماران، کمک به زائران و مسافران، ساخت مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، کتابخانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، پناهگاه‌ها، مراکز عام‌المنفعه و اداره آن‌ها، ایجاد و احداث راه‌ها و پل‌ها و ...

از جهت دیگر وقف کردن، صفات رذیله مثل حرص و دنیاپرستی را ریشه کن می‌کند و قناعت و نوع دوستی را می‌پروراند. وقف کردن، تعاون و کمک‌رسانی افراد را جایگزین کشمکش و فخر فروختن می‌کند. وقف کردن، جامعه‌ای پر از عشق و فضیلت پروری به وجود می‌آورد. سطح فکرها را بالا می‌برد و درآمد موقوفه، تشنگان را سیراب و به مسافران در زیر سایه سار نیکی، آرامش و آسایش می‌بخشد.

تعریف وقف

بررسی لغوی واژه‌ی وقف

در فرهنگ فارسی، وقف کاربردهایی دارد و علامه دهخدا در کتاب لغت نامه هفت کاربرد را ضبط کرده است: ایستادن، به حالت ایستاده مانده و آرام گرفتن، اقامت کردن، شک کردن، منع کردن و جلوگیری نمودن، تعلیق و معلق کردن حکم، برآمدن فلانی، دانستن و مطلع شدن، عطا و بخشش. لغویون غیر از معانی لغوی و مترادفات کلمه وقف، وقف را بعنوان اصطلاحی در علم فقه و دانش تجوید و دیگر علوم بررسی کرده‌اند. برای نمونه احمد فیومی، ادیب و لغوی معروف می‌نویسد: وَقَفْتُ الدَّارَ وَقَفًّا اى حبستها فی سبیل الله (خانه را وقف کردم، یعنی آن را در راه خدا حبس کردم). ابن منظور مصری در لسان العرب، معنای عبارت وقف الارض علی المساکین وقفا را حبس زمینی بر مسکینان و مستمندان می‌داند.

امام خمینی (قدس سره) نیز در تعریف وقف فرموده است: تحبیس العین و تسبیل المنفعه؛ یعنی وقف، عبارت از حبس کردن عین و رها کردن منفعت آن است.

تعریف وقف در قوانین

ماده ۵۵ ق.م (منظور قانون مدنی) می‌گوید: وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود، منظور از حبس نمودن عین مال نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال، و همچنین، از تصرفاتی که موجب تلف عین گردد زیرا مقصود از وقف، انتفاع همیشگی موقوف علیهم، از مال موقوفه است، و بدین جهت هم آن را وقف گفته‌اند. منظور از تسبیل منافع، واگذاری منافع در راه

خداوند، و امور خیریه و اجتماعی میباشد.

(بند ۷ الحاقی به ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف مقرر می‌دارد: اثلاث باقیه، محبوسات، نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از وقف برای امور عام المنفعه و خیریه اختصاص یافته در حکم موقوفات عامه است و چنانچه فاقد متولی و متصدی باشد با اذن ولی فقیه تحت اداره و نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه قرار خواهد گرفت.)

همانطور که ملاحظه می‌شود اموالی را می‌توان وقف نمود که با حفظ اصل آن، امکان بهره برداری از منافعش وجود داشته باشد. به عنوان مثال، اقلام مصرف شدنی مانند میوه یا گندم یا برنج که با استفاده از آنها عین مصرف می‌شود، قابل وقف نیست. اما اموالی مانند ظروف، میز، صندلی، ساختمان، باغ و زمین قابلیت وقف دارند.

تفاوت های بین وقف و زکات و صدقه

برای شناخت وقف ناگزیریم صدقه را تعریف کنیم، زیرا در کتب فقهی، غالباً وقف در کنار صدقه به کار رفته است. همچنین، تفاوت و تشابه‌هایی بین وقف و صدقه وجود دارد که فقط با بررسی مقایسه‌ای آن‌ها می‌توان به تعریف وقف دست یافت.

کلمه وقف و مشتقات آن در قرآن و سنت و حتی آثار فقه‌های متقدم دیده نشده است. گویا به جای وقف، صدقه به کار برده شده و ادله مشروعیت وقف، همان ادلیه مشروعیت صدقات است. صدقه را در لغت نامه‌ها و اصطلاح نامه‌ها چنین تعریف کرده‌اند: آنچه به درویش دهی، در راه خدای تعالی، آنچه به راه خدا به فقرا دهند، هرچه بدهند، نه بر سبیل و جوب مولف کشف اصطلاحات الفنون می‌گوید صدقه، با دوفتحة، مشتق از صدق، بخششی را نامند که به منظور احراز ثواب باشد، نه به منظور اکرام، زیرا چنین بخشایشی راستی و خلوص بخاشینده را حکایت کند.

وجه تمایز بین زکات و صدقه این است که صدقه مقدار معین از مال نیست، ولی زکات مقدار معین است. علاوه بر این تمایزی که از کشف نقل شد، وجوه تمایز دیگری بین صدقه و زکات نیز از همین تعریف به دست می‌آید.

زکات، واجب و صدقه مندوب است. ۲. زکات باید سالانه پرداخت شود، ولی صدقه در تمام اوقات سال داده می‌شود. ۳. زکات بین فقیر مسلمان داده می‌شود، اما صدقه را می‌توان به غیر مسلمان نیز داد.

یکی از وجوه مشترک بین صدقه و زکات آن است که هیچ یک به هاشمی تعلق نمی‌گیرد. نکته دیگر آن است که از همین تعریف، تا حدی، تمایز زکات و صدقه با وقف نیز معلوم می‌شود. تمایز وقف با صدقات از جنبه ماهیت و احکام بسیار مهم است. به نظر می‌رسد مباحث مربوط به این مسائل فقهی و حقوقی، با هم اختلاط و امتزاج پیدا کرده و در کتاب‌های مربوط، به صورت پراکنده آمده و حد و مرز آن‌ها به طور دقیق روشن نشده است.

وقف در اصطلاح شرعی نوعی عطیه یا بخشش بوده که لازمه آن، حبس عین مال و رها و آزادبودن منفعت آن است. مقصود از حبس عین مال آن است که عین موقوفه میراث نمی‌شود و تصرف در

آن، به صورت بیع، هبه، رهن، اجاره، اعاره و اشباه آن ممنوع است. مقصود از آزادبودن منافع عین موقوفه آن است که منافع و ثمرات عین، صرف کارهایی شود که واقف تعیین کرده است، بدون دریافت عوض. به عقیده برخی از فقها در مذهب اسلام، وقف کردن به جز درباره مسجد مشروع نیست، زیرا با مبادی شرعی منافات دارد و این قول متروک است. تمام مذاهب فقهی، به جز مذهب مالکیه، بر این اتفاق نظر دارند که وقف باید موبد و مستمر باشد تا تحقق یابد. به همین دلیل آن را صدقه جاریه می نامند.

بنابراین، اگر وقف را به مدتی معین محدود کنند، وقف به معنای صحیح آن محقق نمی شود، مثلاً ده سال، یا زمانی که آن را به ملکیت خود برگردانم، یا تا زمانی که خود یا فرزندانم نیاز پیدا کنیم یا به نظر اکثر فقهای امامیه، عمل مالک یاد شده، از نظر وقف بودن باطل، ولی حبس شرعی است. معنای حبس شرعی آن است که انتفاع از عین مال مورد حبس در مدتی که مالک تعیین کرده، صحیح است و پس از انقضای مدت، عین مال به ملکیت مالک اصلی عین برمی گردد.

از آنچه تاکنون بیان کردیم، می توان نتیجه گرفت که فرق زکات و وقف و صدقات از جنبه ماهیت این است که زکات، عبادت مالی است و وقف، نوعی خاص بین عقد و ایقاع و عبادت است که نقل ملکیت را از مالک عین افاده می کند. صدقه نیز عملی است که در پاره ای مواقع، اگر به قصد قربت باشد، عبادی است و ناقل ملکیت صاحب مال نیست، زیرا دلیلی بر انتقال مال از ملکیت مالک در دست نیست. بنابراین، اصل، بقای ملکیت مالک است. در پاره ای مواقع نیز فقط عملی نیک است، بی آنکه عبادت محسوب شود. این در صورتی است که صدقه دهنده کافر باشد یا قصد قربت نداشته باشد که در فرض یاد شده، حکمی وضعی ندارد و نه عبادت است، نه معامله. اما از نظر حکم تکلیفی و اقسام هریک از آن ها مباحثی وجود دارد که در ذیل بررسی خواهد شد.

وجوه اختلاف کلمات زکات و صدقه و وقف به اختصار چنین است:

- * وقف و صدقه، برخلاف زکات واجب نیست.
- * مقدار مال وقف و صدقه معین نیست، اما مقدار زکات معین است
- * مقدار مال وقف و صدقه معین نیست، اما مقدار زکات معین است
- * صدقه و زکات به هاشمی تعلق نمی گیرد ولی وقف بر هاشمی صحیح است
- * در زکات قصد قربت شرط صحت است، اما در وقف و صدقه، قصد قربت شرط صحت نیست و اگر شرط باشد، شرط ثواب و کمال است.

ارکان وقف

بیشتر فقها ارکان وقف را به چهار دسته زیر تقسیم می نمایند:

واقف

واقف کسی است که با عقد وقف، مال خود را جهت امور خیر، هدیه می نماید.

شرایط واقف

۱. بالغ باشد ۲. عاقل باشد ۳. مختار باشد ۴. محجور نباشد و بتواند در اموالش تصرف نماید.

موقوف یا موقوفه

مالی است که توسط واقف در امور خیر اهدا شده است.

شرایط موقوف

۱- عین باشد (بنابراین اولاً قابل رویت باشد و ثانیاً مشخص باشد)

۲- مملوک باشد (بنابراین باید اولاً قابل ملکیت بوده و ثانیاً در ملک واقف باشد)

۳- به سبب انتفاع از بین نرود (یعنی انتفاع از آن سبب نقصان و از بین رفتن آن نباشد و مثل غذا و میوه و ...)

۴- قابل اقباض باشد (موقوف باید به گونه ای باشد که موقوف علیه بتواند آن را در اختیار بگیرد)

موقوف علیه

شخص یا اشخاصی است که با عقد وقف، موقوف به آن ها تعلق می گیرد.

شرایط موقوف علیه

۱- موجود باشد (یعنی وقف بر معدوم در ابتدای وقف، صحیح نیست)

۲- معین باشد

۳- تملک آن صحیح باشد. (یعنی شرعاً اهلیت مالک شدن را داشته باشد)

عقد وقف

قراردادی است که سبب خروج مال موقوفه از ملک واقف، و منع آن از انتقالات تجاری و صرف منافع آن برای موقوف علیه می شود. بنابراین مال موقوفه برای همیشه از تملک خصوصی واقف خارج می شود و او و دیگران نمی توانند آن را ببخشند یا بفروشند و کسی هم از آن ملک ارث نمی برد.

شروط وقف

۱- دوام داشته باشد (مدت وقف نامحدود است. لذا نمی توان ملکی را برای مدت معینی وقف نمود.

۲- منجز باشد اگر واقف تحقق وقف را منوط به حصول شرط یا صفتی کند وقف باطل است.

بنابراین ابتدای زمان وقف باید به زمان اجرای عقد وقف متصل باشد.

۳- با قبض موقوف توسط موقوف علیه همراه باشد. بعد از اینکه صیغه وقف جاری شد، مادامی که موقوف از طرف واقف و با اجازه او در اختیار موقوف علیه قرار نگیرد، وقف کان لم یکن تلقی شده

و اثر نخواهد داشت.

۴. واقف جزء موقوف علیه نباشد. واقف نمی تواند مالی را بر خودش به تنهایی، و یا بر خودش و دیگران به صورت مشارکتی وقف نماید.

۵. با صیغه اجرا شود. عربی گفتن صیغه وقف لازم نیست، ولی باید در بیان وقف، رسا و صریح باشد.

وضعیت تلقی های شرعی و عرفی

عرف در ایران تلقی متفاوتی درباره ی ارکان وقف نسبت به شرع، دارد. که در جدول زیر به بیان تفاوت این تلقی های شرعی و عرفی پرداخته شده است:

رکن	تلقی شرعی	تلقی عرفی
واقف	کسی که برای تامین نیاز جامعه یا خانواده، مالی را حبس می کند.	کسی که مالی را ایثار یا بخشش می - کند.
موقوفه	مالی با توان بهره دهی و قابل خرید و فروش و ... نیست	مال مرده و بی خاصیت یا مال زیادی
موقوف علیهم	نیازمند و مصرف کننده ی منافع مال وقفی تا غنی شود	مصرف کننده منافع وقف که گاه نیاز کاذب دارد.
متولی	کارشناسی که با مدیریت علمی باید منافع بیشتری از موقوفه به دست آورد و برای مصرف آن منافع، تدبیری عالمانه بیندیشد.	کسی که به موقوفه چشم دوخته است یا سود خود را در نظر می گیرد.

اقسام وقف

وقف خاص و وقف عام

وقف خاص وقفی است که موقوف علیه آن افراد معین و مشخص باشد، مثل این که چیزی را برای اولاد خود وقف کند

اما وقف عام وقفی است که اختصاص به افراد خاصی ندارد. با عنوان عام مثل فقرا، ایتام و ... و یا با مصلحت عام و امور عام المنفعه به عموم مردم تعلق می گیرد. مثل این که کسی چیزی را برای مسجد، حسینیه، مدرسه و یا فقرا وقف کند.

از جهتی دیگر نیز، وقف به دو بخش تقسیم می شود.

وقف انتفاع و وقف منفعت

وقف انتفاع وقفی است که از عین موقوف در امور مورد نظر استفاده می شود. مثلا شخصی منزلش را وقف می کند تا به عنوان حسینیه از آن استفاده شده و مراسم عزاداری برگزار گردد.

وقف منفعت نیز وقفی است که عین موقوف مورد استفاده قرار نمی گیرد بلکه منافع آن در اموری که واقف تعیین نموده است هزینه می شود. مثلا شخصی ساختمان یا باغی را وقف نماید تا متولی درآمد آن را صرف ایتام و فقرا نماید.

موقوفات متصرفی و غیر متصرفی

در ایران، موقوفات به دو دسته متصرفی و غیر متصرفی تقسیم می شوند. موقوفات غیر متصرفی به آن دسته از موقوفات اطلاق می شود که متولی صالحی از سوی واقف داشته باشد. سازمان اوقاف در این گونه موقوفات هیچ گونه دخالتی ندارد؛ جز اینکه بر حسن اجرای وقف نامه نظارت می کند. درباره درآمدها و مصارف موقوفات، متولیان تصمیم می گیرند و آزادانه عمل می کنند. بخش دوم موقوفات متصرفی هستند. این موقوفات، یا اصلا متولی ندارند، یا طبق حکم دستگاه قضایی، متولی آن ها فاقد صلاحیت تشخیص داده شده است. این گونه موقوفات را سازمان اوقاف مدیریت کرده و در واقع، جانشین متولی عمل می کند.

وقف در روایات و سنت اهل بیت (صلوات الله علیهم)

سیره‌ی حضرت علی (ع) اینگونه بود که زمین‌های لم یزرع و سنگلاخی را شناسایی می کردند و به آباد کردن آن ها می پرداختند. درست عکس روشی عمل می کردند که برخی مردم دارند: جاهای آباد وقف شده را تخریب می کنند که از چشم بیفتند و سپس، به تملک شخصی خود در می آوردند. تجربه علوی این است که اگر زمین بسیار ناهموار و لم یزرعی با نیت وقف و تقرب الهی آباد شده و منافع آن برای فرهنگ و فقرا و... مصرف شود، حتما امداد الهی به کمک خواهد آمد و موقوفه خوب و پردرآمدی خواهد شد.

در روایات معصومان (ع) به صور گوناگون تشویق به وقف شده؛ از جمله پیامبر (ص) فرموده است: اذما مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث: صدقه جاریه او علم ینتفع به او ولد صالح یتسفر له؛ وقتی آدم بمیرد، پرونده‌ی عمل وی مسدود می شود، مگر در سه مورد: صدقه جاریه، علمی که از آن نفع برده شود و فرزند صالحی که برایش دعا کند.

همچنین امام صادق (ع) فرموده است: ستّ خصال ینتفع المؤمن بعد موته؛ ولد صالح یتسفر له و مصحف یقرآنه و قلب یحفره و غرس یرسه و صدقه ماء یجریه و ستّه یؤخذ بها بعده؛ شش خصلت است که پس از مرگ مؤمن به مؤمن نفع می رسد: فرزند صالحی که برایش طلب آمرزش کند و قرآنی که از روی آن خوانده می شود و چاهی که حفر می کند و درختی که غرس می کند و صدقه‌ی آبی که جاری و مستمر می سازد و سنت خوبی که پس از آن پیروی شود. چنان که در روایات یاد شده و نظایر آن بر می آید، از وقف به صدقه‌ی جاریه تعبیر شده؛ چون استمرار دارد و از همین جاست که گفته شده: از جمله شرایط وقف استمرار و دوام آن است؛ یعنی وقف باید برای همیشه باشد و وقف موقت درست نیست.

هر چند که مالکیه، ابدی بودن وقف را شرط صحت آن ندانسته و گفته اند: صحیح است که وقف برای مدت محدودی مثل یک سال معین صورت گیرد. پس از این مدت، ملک به صاحبش بر می

گردد. بیش تر فقیهان امامیه معتقدند که اگر قصد موقت شود، وقف صحیح نیست؛ ولی اگر مالک قصد حبس کرده باشد، حبس صحیح است و اگر قصد وقف کرده باشد، وقف و حبس هر دو باطل است؛ چه آن که وقف و حبس با هم تفاوت دارند؛ زیرا با وقف، ملک کاملاً از ملکیت واقف خارج می شود؛ بدین سبب مالک از تصرف در آن منع می شود و آن مال به صورت ارث به ورثه ی واقف منتقل نمی شود، بر خلاف حبس که عین ملک حبس شده بر حبس کننده ی آن باقی است و امکان فروش و انتقال آن از طریق ارث وجود دارد.

در پاره ای از روایات، هر نوع کار خوبی صدقه دانسته شده؛ چنان که امام صادق (ع) فرموده است: کل معروف صدقه و اهل المعروف فی الدنيا اهل المعروف فی الاخره و اهل المنکر فی الدنيا اهل المنکر فی الاخره؛ اما وقتی که صدقه فقط به معنای وقف به کار رود، با قرینگی هم چون جاریه و مشابه آن همراه است.

افزون بر این که معصومان (ع) از طریق گفتار، وقف را تشویق کرده اند، به صورت عملی هم آن را تشویق کرده اند؛ یعنی عملاً سنت وقف را انجام می دادند؛ چنان که علی (ع) تمام زمینی که از تقسیم فیء به وی رسیده بود وقف زوار بیت الحرام و سالکان راه حج کرد و فرمود: به فروش نمی رسد و ارث گذاشته نمی شود و هر که آن را بفروشد و آن را حبه کند، لعنت خدا و ملائکه و همه ی مردم بر او خواهد بود.

هم چنین پیامبر (ص) زمینی را وقف کرد و منافع آن را برای ابن السبیل صدقه قرار داد و تشویق های حضرت در خصوص وقف اموال چنان مؤثر واقع شد که در بسیاری از مسلمانان پس از جنگ خیبر می خوماتند اموال خود را وقف کنند؛ اما حضرت اجازه وقف بیش تر از یک سوم اموال را به ایشان نداد. هم چنین بعضی از اصحاب رسول خدا، اموالی را وقف کردند و حضرت کار ایشان را تنفیذ و تحسین کرد.

نمونه هایی از موقوفات ائمه علیهم السلام وقف نامه امام علی علیه السلام

ابونیزر می گوید: من در دو زمین زراعی امام علی بن ابی طالب (ع) به نام عین ابی نیزر و بغیغه مشغول کار بودم که امام (ع) به آنجا آمد و به من فرمود: آیا غذایی داری؟ گفتم: غذایی است که برای امیر مومنان نمی پسندم. کدویی است که از همین جا کنده و با روغن پیه نامطبوعی سرخ کرده ام. فرمود: همان را بیاور، سپس برخاست بر لب جوی رفت، دست خود را شست و اندکی از آن میل فرمود و باز بر لب جوی رفت و دست های خود را تمیز شست، آنگاه دست ها را مشت کرد و مشتیی آب از همان جوی نوشید و فرمود: ای ابا نیزر! کف دست ها پاکیزه ترین ظرف هاست، آنگاه با همان تری دست بر شکم کشید و فرمود: هر که با خوردن حرام آتش در شکم خود کند، از رحمت حق به دور باد، سپس کلنگ را برداشت و درون چاه رفت و مشغول کندن شد، ولی آب بر نیامد. از آن جا بیرون شد، در حالی که پیشانی مبارکش خیس عرق بود. عرق از پیشانی پاک کرد و باز کلنگ را برداشت و درون چاه رفت و پیوسته کلنگ می زد به حدی که صدای نفس مبارکش

به گوش می رسید. ناگهان آب فوران کرد و مانند گردن شتر از زمین بیرون جست. امام سرعت از چاه بیرون آمد و فرمود: خدا را گواه می گیرم که این چشمه آب، صدقه است. کاغذ و قلم بیاور. من به سرعت کاغذ و قلم آوردم و حضرت، وقف نامه یی را به این صورت نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا ماتصدق به عبدالله على اميرالمومنين تصدق بالضيعتين المعروفتين بعين ابى نيزر و البغيغه على فقرا اهل المدينة و ابن السبيل ليقى الله بهما وجهه حرالنار يوم القيامة لاتباعا و لاتوهبا حتى يروهما الله و هو خير الوارثين الا ان يحتاج اليهما الحسن و الحسين فهما طلق لهما و ليس لاحد غيرهما؛ يعنى : به نام خداوند بخشنده مهربان . اين چيزى است كه بنده خدا على ، اميرمومنان صدقه داده است . يعنى اين دو زمين به نام هاى عين ابى نيزر و بغيغه را بر فقيران مدينه و در راه ماندگان صدقه كرد تا بدين وسيله در روز قيامت چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارد. كسى حق فروش و بخشش آنها را ندارد. تا انگاه (قيامت) كه خدا وارث آنها شود و خدا بهترين وارثان است، مگر آنكه حسن و حسين بدان ها محتاج شوند كه ملك خاص آنها خواهد بود و هيچ كس ديگر حقى در آنها ندارد.

محمدبن هشام مى گويد: زمانى امام حسين (ع) بدهكار شد. معاويه دويست هزار دينار براى خريد عين ابى نيزر نزد امام فرستاد، ولى حضرت از فروش آن خوددارى كرد و فرمود: پدرم آنها را صدقه داد تا چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارد و من آنها را به هيچ قيمتى نخواهم فروخت. از اين وصيت نامه معلوم مى شود كه امام على (ع) بهترين اموال خود را كه با مشقت به دست آورده بودند، وقف مى كردند. نکته مهم ديگر اين است كه امام (ع) فروش يا هر روشى را كه موجب از بين رفتن اصل سرمايه مى شود را مردود دانسته اند و مى فرمايند: راس المال يا رقبه بايد تا قيامت باقى بماند تا مردم از آن بهره مند شوند.

موقوفه‌ی حضرت زهرا (س)

امام باقر (ع) به ابوبصير مرادى فرمود: آيا مى خواهى وصيت مادرم زهرا را درباره‌ى وقف، به تو نشان بدهم كه اين وقف نامه با درخواست مادرم زهرا (س) و به وسيله‌ى جدم على (ع) نوشته شده است؟ ابوبصير عرض كرد: بسيار خوشحال مى شوم. امام از ظرفى كه كنارش بود، كاغذى درآورد كه در آن چنين نوشته شده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما أوصت به فاطمة بنت محمد (ص) أوصت بحوائطها السبعة بالعواف و الدلال و البرقة و المبيت و الحسنى و الصافية و مال ام ابراهيم الی على بن أبى طالب. فان مضى على فالى الحسن فان مضى الحسن فالى الحسين فان مضى الحسين فالى الاكبر من ولدى. أشهد الله على ذالك و المقداد بن الاسود و الزبير بن العوام،

ترجمه ی این وصیت نامه چنین است: این صیت نامه‌ی فاطمه دختر محمد است. وصیت كرد بستانها [باغ‌ها]ی هفتگانه‌ای كه در محل‌هایی به نام عواف و دلال و برقه و مبيت و حسنى و صافية و مال ام ابراهيم قرار دارند. وصیت این است كه درآمد این بستانها با دست على پس از وی

حسن و پس از وی حسین و پس از آن به وسیله‌ی اولاد ارشد هزینه شود. خداوند را بر این وصیت شاهد می‌گیرم. مقداد و زبیر بن عوام نیز شاهد این وصیت هستند.

موقوفه‌ی امام صادق (ع) برای مراسم سوگواری

مهران بن محمد می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که وصیت فرمود برای حضرت هفت سال نوحه سرایی کنند و برای موسم هر سال، مالی را وقف کرد تا برای اجرای مراسم روضه خوانی هزینه شود.

موقوفه امام کاظم (ع)

عبدالرحمن بن حجاج، صورت وقف‌نامه‌ی حضرت امام موسی بن جعفر (ع) را چنین نقل کرده است:

... تصدق موسی بن جعفر بصدقه هذّه و هو صحیح. صدقه حيسا بتلا مبتوتة لا رجعة فيها و لا رد. ابتغاء وجه الله و الدار الآخرة لا يحل لمؤمن يؤمن بالله و اليوم الآخر أن يبيعهها و لا يبتاعها و لا يهبها و لا ينحلها و لا يغير شيئا مما وصفته عليها حتى يرث الله الارض و من عليها و جعل صدقته هذه الى علي و ابراهيم فاذا انقض احدهما دخل القاسم مع الباقي فاذا انقض احدهما دخل اسماعيل مع الباقي منهما فاذا انقض احدهما دخل العباس مع الباقي فاذا انقض احدهما دخل الاكبر من ولدى مع الباقي و ان لم يبق من ولدى الا واحد فهو الذي يليه؛

یعنی: ... موسی بن جعفر این ملک را صدقه داد در حالی که [از هر نظر] صحیح است. [این ملک] صدقه [وقف] مؤبد است و برگشت و پشیمانی در آن وجود ندارد. [این وقف] با هدف جلب رضایت پروردگار [ثواب] آخرت صورت گرفته است و هیچ شخص باایمانی حق ندارد این ملک را در معرض خرید و فروش قرار دهد یا آن را به کسی ببخشد. یا تغییراتی در آن ایجاد کند، تا روز [قیامت] که خداوند، وارث زمین و زمینیان خواهد شد. متولی این صدقه علی و ابراهیم هستند. اگر یکی از آن دو درگذشت، قاسم با فرد باقی در تولیت شریک خواهد بود. اگر باز یکی درگذشت، اسماعیل جایگزین می‌شود. اگر باز یکی درگذشت، عباس جایگزین وی می‌شود. اگر باز یکی درگذشت، از میان فرزندانم، بزرگ‌ترینشان جایگزین می‌شود. اگر هیچ کدام باقی نماندند، یگانه فردی از فرزندانم که هست، متولی می‌شود.

کارکردها و موارد مصرف وقف در جامعه

اوقاف اگر طبق احکام اسلامی در جامعه عمل شود می‌تواند تأثیر بسزایی در حل مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی داشته باشد. وقف را باید از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزء مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه بدانیم. نتیجه طبیعی وقف را می‌توان در سه فرآیند ذکر کرد: تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه که همه این‌ها در اصل زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی جامعه هستند. وقف آثار و برکات بسیاری دارد، ولی به طور کلی دارای دو اثر درونی و بیرونی است. اثر درونی متوجه شخص واقف است که با این عمل به تزکیه نفس خویش پرداخته و روحیه دنیا طلبی و مال اندوزی را از خود دور کرده است و اثر بیرونی آن در جامعه نمود پیدا

می‌کند که می‌تواند در محور فقر و محرومیت و فاصله شدید طبقاتی تأثیر بسزایی بگذارد. این اثر بیرونی چنان نقش مهمی ایفا می‌کند که حتی در اداره یک جامعه می‌توان از آن کمک گرفت. یکی از پدیده‌های جالب و با اهمیت در شهرهای اسلامی، تداوم املاک از طریق قوانین اسلامی وقف و ارث بود. وقف به واقف اجازه می‌دهد که املاکش را برای استفاده دائمی بهره‌برداران، اهدافش را نسبت به انتقال منافع، تعیین بهره‌برداران و دیگر موضوعات مربوطه با اطمینان از این که به مثابه‌قانون رعایت و مورد احترام قرار می‌گیرد، ماندگار سازد. وقف علاوه بر آثار مذهبی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی، آثار جغرافیایی مهمی به همراه دارد. در برخی مناطق که پدیده وقف گسترش یافته است چهره جغرافیایی آن مناطق دگرگون شده است. همچنین وقف در سیما و چشم انداز جغرافیای شهرها مؤثر بوده است.

کارکرد اجتماعی وقف

در وقف دو بعد خود دوستی و نوع دوستی انسان به منصف ظهور می‌رسد. یکی از هنرهای اسلام به منظور نفوذ بیشتر کلامش در انسان استفاده از خود دوستی انسان (حب النفس) است که در آیات مختلف خطاب به انسان عنوان شده. در وقف نیز از بعد خود دوستی انسان استفاده کرده و عضویت در این نهاد را راهی می‌داند که در آن نام انسان و مالکیت اموال و دارایی‌های او تا ابد تضمین می‌شود و در مواردی که مد نظر دارد عایدات آن به مصرف می‌رسد. در بعد اجتماعی وقف همچون چتری بزرگ سایه خود را بر سر تمام نیازمندان و محرومان می‌گستراند و جامعه را از فقر که عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و سستی در ارکان دینی است نجات می‌دهد و امکان همزیستی مسالمت آمیز را در محیطی مملو از اخوت و حسن ظن، که زمینه ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد فراهم می‌کند.

بسیاری از خدمات اجتماعی در گذشته از طریق موقوفات ارائه می‌شده است، کاروانسراها، رباطها، دارالایتام و... اماکنی بودند که به شدت مورد نیاز جامعه سنتی بوده و واقفان با عنایت به این دسته از نیازهای اجتماعی اقدام به عمل وقف می‌کرده‌اند، حمایت از کودکان بی سرپرست، ایجاد مجتمع تربیتی در مناطق محروم کشور و... از مهمترین کارکردهای اجتماعی وقف در جامعه است. بعد دوم اجتماعی نهاد وقف که از زیبایی بیشتری برخوردار می‌باشد، نوع دوستی، غیرخواهی و مردم‌گرایی است. در این بعد بهترین روابط انسانی حاکم می‌گردد و دیوارهای تنگ فرد پرستی و بی‌تفاوتی نسبت به زندگی دیگران فرو می‌ریزد.

کارکرد اقتصادی وقف

شاید متداول ترین نقش وقف را بتوان در رویکرد اقتصادی آن مشاهده کرد اگر چه این رویکرد با دیگر رویکردها بی ارتباط نیست اما نمونه موقوفاتی که در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز وجود داشته بیشتر در این قالب قرار می‌گیرد. در میان افراط و تفریط‌های نظام سرمایه داری و کمونیستی، اسلام که دین عدالت و اعتدال است،

نظام اقتصادی برتری از جانب خداوند و مطابق فطرت و طبیعت بشر آورده است که نه ظلم و بی عدالتی رژیم سرمایه داری در آن دیده می شود و نه دیکتاتوری اقتصاد را با عبادت و سیاست پیوند داده است و با تربیت بسیار مؤثر خود، محیطی اسلامی می سازد که بر خلاف محیط های مادی که تکاثر و اصراف ملاک برتری است و همه سعی می کنند همه چیز را به انحصار خود در آورند در محیط اسلام سادگی و غیرخواهی و ایثار و تعمیم ثروت های اضافی شخصی از راه وقف، حبس، هبه و... نه تنها ملاک برتری است بلکه عبادت بزرگ محسوب می شود. از سوی دیگر، سیاست اسلام بر کنترل و تعدیل و حفاظت ثروت جامعه است، به این ترتیب تمام راه هایی که منجر به سرمایه داری بودن کار می شود، همه را کنترل کرده است و با گرفتن خمس و زکات و تشویق افراد به وقف و... از ثروتمندان و تقویت افراد ضعیف در برابر آنها فاصله را بسیار کم کرده، در جامعه تعدیل ایجاد می کند. براین اساس، وقف در جامعه اسلامی ثروت مادی جامعه را تعدیل می کند.

وقف تبدیل مالکیت خصوصی به نوعی از مالکیت عمومی است که بسط آن از ابزار مهم دستیابی به تعادل اجتماعی است. در نهاد وقف دو مطلوبیت نهفته است یکی نفس عمل بخشش، گذشت و ایثار که در واقف به ودیعه گذاشته می شود و از استعراق انسان در تعلقات مادی و مال اندوزی جلوگیری می کند و دیگری لذتی است که فرد در نتیجه عمل نیک خود می بیند و نقش آن را در فقرزدایی جامعه اسلامی مشاهده می کند.

بنابراین انتظار می رود که وقف نقش اساسی، هم در توسعه اندیشه اقتصادی و هم در توسعه اقتصادی داشته باشد.

کارکرد فرهنگی وقف

مهمترین کارکرد وقف در جامعه اسلامی از گذشته های دور تا کنون کارکرد آموزشی و فرهنگی است. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به عنوان یک منبع مستمر مالی مراکز علمی، پشتوانه مردمی داشته است و چه بسیار مدارس و مراکز علمی در جهان اسلام از طریق وقف ایجاد و گسترش یافته اند و بسیاری از عالمان بزرگ با استفاده از درآمدهای اوقاف توانسته اند به مدارج عالی علمی برسند. از طریق تقویت مالی مدارس اسلامی توسط وقف، این مدارس توانستند در فرهنگ نظام تعلیم و تربیت اروپا تأثیر بگذارند. وقف پاسدار نشر معارف اسلامی است. استفاده از درآمدهای وقف برای ساخت مساجد، دانشگاهها، خوابگاههای دانشجویی، تأسیس کتابخانه های عمومی، برگزاری کنگره جهانی حج، مجالس عزاداری ائمه (ع)، مسابقات قرائت قرآن کریم در سطح بین المللی و... از کارکردهای فرهنگی و آموزشی وقف می باشد. از طریق وقف مسلمانان توانسته اند از طریق مدارس دینی موقوفه بهترین شاهکارهای خود را به جهانیان معرفی نمایند و علم و دانش آنها از طریق اوقاف گسترش و رواج یافته است.

پس نقش وقف در ترویج حرکت توسعه فرهنگی و فکری می تواند به این شرح باشد:

- ۱- پشتیبانی از مؤسسات فرهنگی و دینی که به مردم نزدیک هستند
- ۲- نوسازی ابزارهای دعوت [تبلیغ] و مهیا ساختن آنها برای مواجهه با نیازهای آینده و راهنمایی رهبران فرهنگی و هنری و توسعه سیستم هایی که داعیان [مبلغان] را تربیت می کند
- ۳- پشتیبانی مؤسسات تحقیقات علمی و مراکز مطالعات فکری

موارد مصرف وقف

مصرف در وقف، عرصه‌ی وسیع و گسترده‌ی بدون مرزی دارد. با توجه به این که نیازهای انسان رو به تحول و ازدیاد است، برای وقف هم محدودیتی وجود ندارد و توفیقی نیست و می تواند بطور نامحدود پاسخ‌گو باشد. لازم است تحقیقی در تاریخ درباره مصارف وقف انجام شود و معلوم شود که چه مواردی به عنوان مصرف وقف اجرا می شده است. برای نمونه در قدیم ساعت وجود نداشته است و مردم با بانگ خروس نماز می خوانده اند. واقفینی بوده اند که خروس های وقت شناسی وقف می کرده اند. در هر محل یک خروس نگهداری می شده است. گاه واقف فقط خوراک های خروس ها را تقبل می کرده یا فقط مکان استراحت و استقرار آن ها (لانه) را تامین می کرده است. در مناطقی که آب کم تر بوده و زمین ها خشک بوده نیز اکثر وقف ها در زمینه آب است. با بررسی وقف نامه ها، فهرست زیر به دست آمده که نشان دهنده برخی مصارف وقف است.

کمک به فقرا	تهیه دارو
اطعام	افطاری در ماه رمضان
تعزیه خوانی	عزاداری برای سیدالشهدا
ساختن تکیه، حسینییه، مسجد	روشنایی اماکن
کمک به زوار	کمک به ابن سبیل
نگهداری کودکان بی سرپرست	خرید کتاب
دارالایتام	تلاوت قرآن
نشر معارف اسلامی	کمک به بیمارستان
ساختن بیمارستان	دفاع از حدود و مرزها
ساختن آب انبار	ساخت کاروان سرا برای زائران رضوی
حوض سنگ (سنگ آب)	آبیاری
لوله کشی آب	باغ سازی
علوفه، تامین علوفه اسب و الاغ زائران	خوراک سگ های نگهبان کاروان زائران
خوراک زائران	سقاخانه

این فهرست نشان می دهد که وقف بیش از هر چیز دیگر، تابع متغیرهای زمانی و مکانی است.

روش‌های جدید مصرف وقف

وقف نیز مانند هر مقوله اجتماعی دیگر، باید به روز و متناسب با وضعیت زمانی و مکانی تحقق یابد، از این رو، نهادهای وقفی کوچک یا بزرگ باید از اقتصاددانان خبره کمک بگیرند تا بتوانند نیازهای جامعه را تامین کنند. در اینجا، به روش‌هایی اشاره شده است که در دو دهه اخیر، اقتصاددانان برای باروری و احیای وقف پیشنهاد کرده اند.

صندوق وقفی

در دهه های اخیر، در کشورهای اسلامی موضوع صندوق سرمایه در وقف اهمیت بسیار یافته است پیش از این و در قرون گذشته، این موضوع در کتاب های فقهی یافت نمی شد. شاید مسلمانان با دیدن کارکرد موفق و اهمیت صندوق وقف در اروپا و امریکا، به این موضوع توجه بیشتری کرده اند. ساز و کار این صندوق ها چنین است:

۱- اشخاص حقیقی یا حقوقی با اختیار و آزادی، مبالغی را به منظور انجام دادن کارهایی که ضوابط آن ها مشخص شده است، اهدا می کنند.

۲- صندوقی با نام مشخص و اساسنامه و آیین نامه معین ثبت می شود و هیئت امنا و مدیرعامل دارد. مبالغ اهدایی در این صندوق قرار می گیرد و عنوان وقف به آن اطلاق می شود.

۳- مبلغ صندوق، در سرمایه گذاری های کم خطر و پر خطر مثل اوراق بهادار به کار گرفته می شود. سود حاصل از آن، دو قسمت می شود؛ یکی بر اصل سرمایه افزوده می شود و دیگری صرف مخارج و مصارف پیش بینی شده می شود.

این نکته حایز اهمیت می باشد که صندوق وقفی زمانی مشروع است که وقف پول مشروع باشد. با آوردن پول در قلمروی وقف و تشکیل صندوق های پولی وقف، وقف جان تازه ای میگیرد و می تواند بسیار فعال، به عرصه های اجتماعی و اقتصادی وارد شود. نمونه ای از آن، صندوق عمران وقف بوده که در ایران، در دو دهه ای اخیر، کارهای بنیادی و بزرگی انجام داده است. یکی از آثار فرعی این صندوق ها این است که مشکل نقدینگی را از بین می برد.

وقف پول

در کشورهای پیشرفته، ثروتمندان به ویژه در کهن سالی، به وقف و اعمال خیرخواهانه تمایل دارند و از این طریق، بسیاری از مشکلات طبقه متوسط یا پایین جامعه مرتفع می شود. اما در ایران، به دلیل مشکلات نظری و فقهی، هنوز وقف پول رایج نیست. بعضی از محققان وقف پول را در جامعه مسلمانان و فرهنگ اسلامی دارای سابقه می دانند.

این نوع وقف در دولت عثمانی رواج داشت آنان پول کافی داشتند و بخشی از پول خود را به اهداف خیرخواهانه اختصاص می دادند. این مبلغ در اختیار افراد نیازمند قرار می گرفت و بعد از مدت معین، مثلا یک سال، اصل و مازاد به واقف یا متولی وقف برمی گشت تا مجددا در کارهای خیریه از آن استفاده کند.

در فقه اسلامی و فقه شیعه، با عنوان وقف الدراهم و الدنانیر درباره وقف پول بحث کرده اند. درباره

وقف درهم و دینار، عبارت فقها را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- گروهی از فقها مثل شیخ طوسی، وقف درهم و دینار را به طور مطلق جایز ندانسته اند.
 ۲- عبارت برخی فقها پیرامون وقف درهم و دینار، حاکی از تردید یا اشکال در آن است، مثل علامه حلی در کتاب قواعد که با عبارت فی الدرهم والدینار اشکال در وقف درهم و دینار با دیده تردید نگریسته است.

۳- برخی فقها فا فرض وجود منفعت صحیح عرفی، قائل به جواز وقف درهم و دینار شده اند. شهید اول در دروس و محقق ثانی در جامع المقاصد چنین نظری دارند.

۴- فقهای اهل سنت، بیشتر به جواز وقف نقود گرایش دارند. اما کسانی هم مخالف اند. دانشمندان اقتصاد و حقوق در دوره جدید تلاش کرده اند با روش های متعدد و البته در چارچوب ادله و مستندات فقهی حقوقی، وقف نقود را تجویز کنند. دلیلی معروف این است که لاشه پول زوال پذیر است ولی اعتبار ماندگار است. در وقف به اعتبار پول نیاز است و نه اصل آن مثلا چند اسکناس هزار تومانی. آنان از این طریق خواسته اند که وقف پول را جایز بدانند.

در میان فقهای معاصر افرادی هستند که با تکیه بر عمومات ادله، وقف پول را صحیح می دانند؛ به هر حال، با ورود وقف در عرصه پول، بسیاری از مشکلات اجتماعی مرتفع شده و با حل مشکل وقف پول، به نیازهای مردم پاسخ مساعد داده خواهد شد.

وقف سهام

در گذشته عالمان بر وقف اصرار می کردند، اما امروزه وضعیت تغییر کرده و وقف پول و اعتبارات مالی و سهام مهم تر است. دکتر صالح آبادی، دبیر کل وقت بورس و اوراق بهادار در این زمینه می گوید: راه های توسعه در بازار سرمایه ایران فراوان است و سنت حسنه وقف، در امر توسعه بازار بسیار مؤثر است. اکنون با برنامه های توسعه ای و ظرفیت های سرمایه گذاری مناسب در بازار سرمایه کشور، در افق جدید بازار سرمایه فرصت مطلوبی در اختیار مسئولان وقف قرار می گیرد تا ارزش اموال موقوفه را در بازار مالی با استفاده از مدیریت حرفه ای افزایش دهند. متأسفانه ارتباط بین وقف و بازار سرمایه در کشور مغفول واقع شده است و امید می رود با همکاری متولیان حوزه وقف و با برگزاری چنین همایش هایی به وقف در بازار سرمایه جامه عمل بپوشانیم.
 رابطه و تعامل وقف با بازار سرمایه بصورت های زیر عملی می شود:

۱- واقف، سهام معینی وقف کند. موقوفه سهام باشد

۲- عواید و منافع، سهام باشد. واقف کارخانه ای وقف می کند تا از منافع و درآمد آن، سهام خریداری شود و در اختیار مصرف کنندگان (موقوف علیهم) قرار گیرد.

۳- سهام خریداری می شود و سود آن وقف می شود (کل سود یا بخشی از آن)

راه‌های ترویج فرهنگ وقف و نیکوکاری و توسعه‌ی موقوفات در جامعه

ترویج فرهنگ وقف و گسترش موقوفات که نیازمند مشارکت وسیع اجتماعی افراد است بر بستر آگاهی شکل می‌گیرد. بنابراین، گسترش فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی در عرصه‌ی وقف، از ضروری‌ترین اموری است که باید مدنظر متولیان امر قرار گیرد. به منظور آگاه‌سازی احاد جامعه نسبت به وقف دو نکته‌ی مهم و اساسی باید مدنظر قرار گیرد:

تبیین جایگاه و اهمیت وقف

نخست مردم مسلمان و دین‌باور باید بر این اصل مهم آگاهی یابند که سنت حسنه‌ی وقف از جمله‌ی امور برای تقرب به خدا و اطاعت از فرامین اوست. بنا به فتوای بسیاری از فقهای مسلمان، ملک و مال وقف‌شده پس از انجام صحیح تشریفات وقف، از حوزه‌ی ملکیت و مالکیت واقف خارج شده و به حوزه‌ی ملکیت و مالکیت خداوند درآمده است. فقط منافع مال، طبق نظر واقف مندرج در وقفنامه، مورد بهره‌گیری موقوف‌علیه‌هم قرار می‌گیرد و بس. افزایش آگاهی مردم از اهمیت وقف و تأثیر آن در رفع نیازهای اجتماعی و هم‌چنین پاداش‌های معنوی مترتب بر این اقدام پسندیده، در جلب مشارکت آنان در این عرصه تأثیر بسزایی دارد.

بهره‌گیری از روش‌های مناسب و تأثیرگذار

برای انتقال این ارزش و آگاهی باید از روش‌های مناسبی بهره گرفت. روش‌هایی که طیف وسیعی از احاد جامعه را در بر بگیرد و به مرور زمینه‌ی گسترش فرهنگ وقف را در جامعه فراهم آورد. برخی از راه‌کارهای عملی در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- * معرفی جلوه‌های زیبای وقف و موقوفات و تبیین آثار ماندگار آنها
- * معرفی واقفان خیراندیش به جامعه
- * ایجاد فضای مناسب برای مشارکت بیشتر بانوان در عرصه‌ی وقف
- * توجه به اهمیت جایگاه آموزش و پرورش در ترویج فرهنگ وقف و نیکوکاری
- * استفاده از جایگاه و توان شوراهای اسلامی شهر و روستا
- * استفاده از جایگاه و توان سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات خیریه
- * مساجد و بقاع متبرکه موقوفات وقف‌آفرین
- * بهره‌گیری از اجتماعات معنوی و جلسات مذهبی
- * استفاده از فضای رسانه‌ای
- * بهره‌گیری از تجربه‌های دیگران

ترویج وقف خانوادگی

در فرایند العای وقف، اغلب مخالفان وقف، به وقف اولادی (اهلی یا خانوادگی) استناد می‌کردند و آن را توجیهی شرعی می‌دانستند. مخالفان بر این باور بودند که عده‌ای از فئودال‌ها با این روش زمین‌های خود را حفظ می‌کنند و دولت عوامل دولتی، دیگر نمی‌توانند زمین‌های آنان را مصادره کنند.

اما برخی محققان ایران در سال‌های اخیر، جنبه‌هایی از وقف اهلی را مورد بررسی قرار دادند. آقای سید مصطفی محقق داماد در نخستین نشست علمی وقف در تیر ۱۳۸۱، برای اولین بار، جنبه‌ای مثبت از وقف اهلی را بررسی و تحلیل کرد. به نظر ایشان خرد شدن و تکه‌تکه شدن زمین‌های بزرگ کشاورزی، زمینه‌ای برای کاهش بهره‌وری آن‌هاست. اگر هر زمینی قطعه‌قطعه شود، قطعاً ثمردهی آن افت می‌کند. به همین علت با اجرای برنامه اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱، کشاورزی ایران ضربه خورد و پس از آن، محصولات کشاورزی وارد کشور شد، در صورتی که پیش از آن، در کشاورزی خودکفا بودیم. همچنین، زمانی که صاحب ملک بزرگی فوت می‌کند، زمین میان وارث تقسیم می‌شود. با خرد شدن آن زمین، کاشت و برداشت آن آسیب‌پذیر می‌شود و افت می‌کند. وقف اهلی راه‌حلی است که با عمل به آن می‌توان از پاره‌پاره شدن زمین‌های بزرگ جلوگیری کرد. مالک، زمین را برای فرزندان خود تا سال معین وقف می‌کند. فرزندان به منافع زمین می‌رسند، اما زمین میان آنان تقسیم نمی‌شود. وقف اهلی در کشورهای بلژیک و لبنان بازدهی خوبی داشته است در ایران نیز باید فرهنگ وقف اهلی ترویج داده شود.

وقف بر اولاد شبیه تشکیل شخصیت‌های حقوقی و بنیادهایی است که امروزه، در قانون تجارت، از آن به شرکت‌های غیرانتفاعی تعبیر شده است. از نظر فقهای مشهور امامیه، برای وقف بر اولاد قصد قربت لازم نیست. وقف بر اولاد در فقه اسلامی، شبیه آن است که مالک، اساسنامه‌ای برای نسل آینده‌اش، پسر یا دختر، تنظیم کرده و در آن تعیین می‌کند زمین چگونه اداره شود. سازمان اوقاف باید این فرهنگ را رواج داده و به مالکان آموزش دهد که به صورت اختیاری، برای تقسیم‌نشدن و از بین نرفتن زحمات مالکان بزرگ، زمین را وقف بر اولاد کنند. با وقف اولادی و خانوادگی (وقف ذری و اهلی)، زمین کلان و مزروعی میان وارثان تقسیم نمی‌شود، بلکه منافع آن در اختیار وارث قرار می‌گیرد. از طریق گذاردن قانون‌هایی در مجلس میتوان مالکیت‌های بزرگ را به تشکیل شرکت‌های سهامی یا تشکیل شخصیت‌های حقوقی یا وقف ذری مجبور کرد، که هر دوشبیه به هم است. در این صورت، مرگ زمین‌های بزرگ به مرگ افراد وابسته نخواهد بود.



میل به جاودانگی و نیکوکاری در سرشت بشر، به صورت خدادادی نهفته است و آدمی همواره برای جاودانه زیستن و نام نیکو از خود گذاشتن، می کوشد. یکی از اموری که تا حدودی پاسخ گوی این خواسته درونی انسان است، یادگاری ماندگار و صدقه ای جاوید به نام «وقف» است. وقف به عملی گفته می شود که در آن، انسانی خیرخواه بخشی از اموال خود را در راه رضای خداوند متعال برای استفاده فرد یا افراد حقیقی یا حقوقی از ملکیت خود در می آورد و به تملک خداوند در می آورد.

آدمی با وقف بخشی از اموال خود، ضمن کسب رضای الهی و پیروی از سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت نام نیکوی خود را جاودانه می سازد و امروز شاهدیم کسانی که صدها سال است در خاک آرمیده‌اند، از ثمرات وجود موقوفات آن‌ها، بخش عظیمی از جامعه بهره‌مند هستند؛ به قسمی که گویی هنوز زنده‌اند و خوان انفاق آنان تا ابد گسترده است. در این جزوه با بیان ضرورت و چیستی وقف و هم چنین کارکردها و موارد مصرف این صدقه جاریه به بیان نمونه هایی در روایات و سنت اهل بیت (ع) و در نهایت روش‌های ترویج وقف پرداخته شده است.

آدرس: خیابان طالقانی، تقاطع مفتح، سازمان بسیج

دانشجویی، ساختمان شهید باقری

www.Jahadgaran.org

info@jahadgaran.org

۰۲۱۸۷۵۵۱۲۹۷

سامانه پیامکی: ۰۲۱۸۷۵۵۱۲۹۷-۱۰۰۰۰



مجلس شورای اسلامی
انراکامون باقری - بسیج مفتح

منابع

- * کتاب وقف کارآمد ، ناشر: دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی، محقق: سید مصطفی مطبوعه چی اصفهانی
- * کتاب تا ابد...، ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، برگرفته از بیانات حجت الاسلام و المسلمین قرائتی پیرامون وقف (دانلود کتاب)
- * کتاب چند قدم تا واقف، ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، مولف: حسین ژولیده (دانلود کتاب)
- * کتاب مضاربه با خدا، ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، برگرفته از بیانات حجت الاسلام و المسلمین قرائتی پیرامون وقف (دانلود کتاب)
- * کتابچه احسان ماندگار، ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه (دانلود کتاب)
- * برای مطالعه بیشتر در خصوص وقف فایل پیوست به معرفی کتاب‌های موجود در این خصوص می‌پردازد. (دانلود فایل اکسل)